

# یادگیری

## فراپندى تعاملی

### اشاره

نگاهی گذرا به منابع و مستندات مکتوب مرتبط با تعلیم و تربیت کافی خواهد بود تا به اهمیت موضوع یادگیری پی ببریم. در یک‌صد سال گذشته، یادگیری طرف توجه دانشمندان زیادی قرار گرفته است و نظریه‌ها و دیدگاه‌های بسیار زیادی در این خصوص پیشنهاد شده‌اند. یادگیری فراپندی تعاملی و فراگیر است و آنچه در مورد مدرسه و تحت نظارت معلم صورت می‌گیرد، اجتماعی نیز هست. در نوشتار کوتاه حاضر ابعادی از این موضوع بررسی می‌شود.

### کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های یادگیری، محوریت یادگیری، محیط‌سازی یادگیری

«یادگیرنده» مؤلفه بعدی است که به نوعی مخاطب اصلی این فرایند محسوب می‌شود. یادگیرنده و نقش او در یادگیری سال‌ها مورد غفلت قرار گرفته بود و به دانش‌آموز به عنوان عنصری غیرفعال نگریسته می‌شد. در دیدگاه‌های شناختی و مابعد رفتارگرایی، نقش تعاملی یادگیرنده بسیار سازنده و قوی است، زیرا اگر او نخواهد بیاموزد، هیچ نظامی نمی‌تواند او را به آموختن وادارد. مؤلفه پایانی و اصلی «عمل تدریس» است که در بردارنده آن چیزی است که درس معلم یا مربی در کلاس ارائه می‌کند. عمل تدریس می‌تواند در چارچوب برنامه درسی باشد یا نباشد. عمل تدریس یک سازه است که درباره آن مطالعه بسیاری شده و شاخص‌های متعددی برای آن تدوین شده‌اند. عمل موفق تدریس، یادگیری را نیز تسهیل می‌کند. نکته قابل توجه و مهم و مورد نظر در این گفتار کوتاه، تعامل این عناصر تحت لوای یادگیری است.

نقش رهبری معلم خود را در عمل تدریس نشان می‌دهد. چنانچه معلم نتواند با کمک محتوا و برنامه درسی با شاگردان ارتباط برقرار کند، فرایند آموزش و عمل تدریس یا ناقص خواهد ماند یا به نتیجه نمی‌رسد. این موضوع حاکی از آن است که فرایند یادگیری تحت هر شرایطی رخ دهد نیازمند هدایت و حمایت وی خواهد بود. ضرورتی ندارد مربی به عنوان مداخله‌گر در عمل تدریس مشارکت داشته باشد. نقش تسهیل‌گرانه و هدایتی جریان یادگیری را سرعت می‌بخشد. نگاهی به مستندات نشان می‌دهد، جریان دوطرفه بین مؤلفه‌های یادگیری در محیط کلاس نمی‌تواند با دخالت مطلق و یکطرفه معلم صورت گیرد. بسیاری از نظریه‌پردازان یادگیری معتقدند، محیط یادگیری باید به گونه‌ای باشد که فراگیرندگان را در مسیر آموختن قرار دهد. کاپلند و ناپ (۲۰۰۶)

یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه حاصل تعامل چهار مؤلفه اصلی است: محتوا، معلم، یادگیرنده و عمل تدریس (کاپلند و ناپ، ۲۰۰۶). «محتوا» نشان‌دهنده آن چیزی است که تحت لوای برنامه درسی در کلاس توسط معلم ارائه می‌شود. محتوا در بسیاری از نظام‌های آموزشی یکی از ارکان اصلی فرایند یادگیری را تشکیل می‌دهد. محتوامحوری در مواردی نیز جای برنامه درسی را می‌گیرد و محوریت فرایند تدریس و یادگیری را به خود اختصاص می‌دهد. «معلم» یکی از محورهای اصلی فرایند یادگیری است. اوست که می‌تواند به صورت مستقیم یادگیری دانش‌آموزان را تحت تأثیر مثبت و منفی قرار دهد. معلم و معلم‌محوری در اکثر نظام‌های آموزشی پیشرو در سطح دنیا پشت‌سر گذاشته شده‌اند و دیگر نقش اصلی و یگانه گذشته را ندارند. در مورد معلم و نقش او در فرایند یادگیری بسیار نوشته و گفته شده است و در اینجا نمی‌توان به آن پرداخت. در حد بحث حاضر باید گفت، نقش معلم به عنوان میانجی و تسهیل‌کننده، یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



**چنانچه معلم  
نتواند با کمک  
محتوا و برنامه  
درسی با شاگردان  
ارتباط برقرار کند،  
فرایند آموزش  
و عمل تدریس  
یا ناقص خواهد  
ماند یا به نتیجه  
مطلوب نمی‌رسد**

\*منبع  
Copland, Michael  
A. and Michael S.  
Kanapp. (2006). Connecting leadership with learning: a framework for reflection, planning, and action. ASCD

می‌تواند تحت تأثیر جامعه مدرسه و اعضای آن قرار گیرد. نگاه معلم، مدیر، سایر معلمان و بخش ستادی می‌تواند به صورت شبکه‌ای و با ارتباط متقابل به یادگیری اثر بخش و سیالیت آن منجر شود. مریبان زیادی در گذشته بر یادگیری تمرکز و تلاش کرده‌اند پروتکل‌هایی برای بهبود آن پیشنهاد دهند. برخی محوریت را بر محتوا، برخی بر یادگیرنده و آزاد بودن او در فرایند یادگیری، برخی بر معلم و شیوه کار او در کلاس درس و برخی بر عمل تدریس متمرکز کرده‌اند. واقعیت غیرقابل انکار این است که یادگیری در محیطی رخ می‌دهد که فرصت برای رخداد آن فراهم باشد. رهبری جریان یادگیری در محیط‌های سخت، خشن، غیرقابل انعطاف و یکطرفه رخ نخواهد داد. تجربه نظام‌های آموزشی در یک‌صد سال گذشته و دانش پژوهشی وسیع بشری در این زمینه ما را به این سو می‌خواند که یادگیری فرایندی تعاملی و پیچیده است و با هیچ نسخه از پیش تعیین شده‌ای نمی‌توان آن را با اطمینان در فراگیرندگان ایجاد کرد.

این محیط را از کلاس درس فراتر برده‌اند و شامل مدرسه و جامعه نیز می‌دانند. آن‌ها همچنین معتقدند، فراهم کردن فرصت یادگیری برای دانش‌آموزان، در جامعه‌ای که به یادگیری نگاه حرفه‌ای ندارد رخ نمی‌دهد یا با دشواری‌هایی مواجه خواهد بود. آن‌ها معتقدند، یادگیری دانش‌آموزان بر حرفه‌ای بودن و نگاه حرفه‌ای به یادگیری استوار است و نگاه حرفه‌ای خود در محیط یادگیری فرصت‌مند ریشه دارد. در واقع می‌توان گفت، اگر در مدرسه یادگیری اتفاق می‌افتد (به صورت معنی‌دار) نمی‌توان یک خط مستقیم بین دانش‌آموز از یک طرف و معلم از طرف دیگر ترسیم کرد. فراگیر بودن یادگیری ما را به این سمت سوق می‌دهد که این فرایند را جریانی وسیع با ویژگی‌های خاص و مؤلفه‌های وابسته به هم بدانیم.

### جمع‌بندی

تعامل بین مؤلفه‌های اثرگذار بر یادگیری و توجه به نمودار جریان و روابط بین آن‌ها به بهبود یادگیری و تدریس منجر خواهد شد. این تعامل